

سخنرانی خانم جمیل خرازی در سالن " کتابخانه کنزینگتون "
در شب رونمایی از کتاب شعر لعبت والا

فوریه ۲۰۰۹ لندن

مشتاقان شعر لعبت و دوستان عزیز
از اینکه از من خواسته شد در این مجلس سخنی بگویم ، از مدیریت این سازمان بی نهایت متشکرم

همه درد را میشناسیم ، همه غم را به نوعی لمس کرده ایم ، همه اسیر غربتیم .
اما من از کودکی ام، طعم دردم را ، رنگ غم را و امروز بوی جوانی هایم را در سروده های خانم والا می یافتم و
کماکان در حیرت بودم که چگونه ، موجودی که پیوسته والائی اش را در ترجمان قلبم احساس میکردم و اینهمه با من
آشنا بود ، هرگز ندیده بودم
تا روزی که لعبت را یافتم حیرتم دو چندان شد. انسان فرهیخته ای که به من میگوید " در هنر ایثار بی همتایم" چگونه
خود نمیبیند و یا نمیداند که چه بی همتائی در هنر تواضع دارد؟
در این سالها این دین با من بود، با موجودی که پیوسته از زبان من میگفت و دردم را از لخته های خونی که به دیواره
های قلبم چسبیده بود نزدیکتر احساس میکرد چه میشد کرد؟
مراسم سپاسی به پا کردم و تا به امروز خودم هم حیرانم که این تجلیل آیا برای تشکر از تصویر های روشن قصه های
غصه دل کوچک خودم برای تمامی این سالها بود و یا سپاس برای ، استادی به نخ کشیدن کلمات زیبای این انسان عزیز
هنوز هم حیرانم؟

شب خوش